

چیستی و چرایی نظام اخلاقی اسلام

احمد دیلمی*

چکیده

آیا در عالم واقع لازم است مجموعه‌ی آموزه‌های اخلاقی اسلام بر بردارنده‌ی عناصر ضروری برای ایجاد یک نظام اخلاقی باشند؟ آیا ضرورتی اقتضا می‌کند که این عناصر از ساختاری منطقی و منظم برخوردار باشند؟ آیا مجموعه‌ی آنچه که در منابع اولیه و ثانویه‌ی اخلاق اسلامی وجود دارد، اثباتاً از چنین جامعیت و ساختار منظمی برخوردار هستند؟ در صورتی که وضعیت فعلی چنین نباشد، آیا می‌توان به این امر دست یافت؟

نسبت به همه‌ی پرسش‌های مذکور صریحاً، تلویحاً و یا عملاً اما و اگرهایی وجود دارد. نویسنده، با کسانی هم عقیده است که پاسخ همه‌ی این پرسش‌ها را مثبت می‌داند. این نوشتار که ماهیت فرا اخلاقی دارد، مقدمه‌ای است در باب تبیین این ادعا.

*- دکترای حقوق دانشگاه تهران.





واژه‌های کلیدی

نظام اخلاق اسلامی، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، اخلاق تربیتی، اخلاق کاربردی.

مقدمه

شاید بتوان یکی از وجوه بلوغ اندیشه‌های بشری و ارتقای تاریخی دانش آدمی را مراتب برخورداری آن از ساختاری منطقی، عقلی و عقلایی دانست. توجه به تاریخ دانش بشری به خوبی نشان می‌دهد که هم مجموعه‌ی آن و هم ساحات‌ها و حوزه‌های مختلف آن سیری از تشّت و پراکندگی به سوی انسجام و انتظام را پیموده‌اند؛ به طوری که امروزه به جای آموزه‌ها و تعالیم از نظامات اندیشه‌ی بشری در حوزه‌های مختلف سخن گفته می‌شود. این قاعده را در باب اندیشه‌های اخلاقی بشر نیز به روشنی می‌توان مشاهده کرد. علوم و حیانی نیز اگرچه ثبوتاً از انسجام و انتظام برخورداراند، لکن در عالم اثبات و به ویژه براساس آنچه که در منابع تفسیری ادیان الهی مشاهده می‌شود، عمدتاً چنین تاریخی را تجربه کرده‌اند. بنابراین، پرسش از چیستی نظام اخلاقی اسلام با توجه به سطوح امروزین بلوغ شکلی اندیشه‌ی بشری. درباره‌ی چرایی و ضرورت نظام‌مندی معرفت دینی در حوزه‌های مختلف زندگی انسان نیز از دلایل خاصی می‌توان سخن گفت.

ادبیات بحث و ماهیت آن

ادبیات بحث

به منظور پیشگیری از هرگونه برداشت ناصواب ناشی از چندگانگی مفهوم عناوین زیر لازم است به طور مختصر به شرح معنای مقصود از آنها پرداخته شود.



اسلام: مراد از اسلام در ادبیات فقهی، ابراز اعتقاد به خداوند و رسالت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.^۱ و مراد از آن در ادبیات اخلاقی، باور قلبی و صادقانه به خداوند و سایر متعلقات معتبر در این زمینه است.^۲ اسلام در هر دو معنای مذکور عبارت است از امری واقعی و حقیقی که خود ارزش و فضیلتی اخلاقی به شمار می‌آید. مراد از اسلام در اینجا وجه مکتوب و وجود کتبی آن است به عنوان مجموعه‌ای از جنس دانش که در قالب گزاره‌های ناظر به واقع و گزاره‌های ناظر به ارزش و به ویژه ارزش اخلاقی به حوزه‌های معرفتی، انگیزشی، هیجانی و رفتاری انسان و نوع مناسبات او با خداوند، طبیعت، دیگران و حتی خودش می‌پردازد. به عبارت دیگر، اسلام یعنی مجموعه‌ی حقایق معرفتی و اعتقادی و همه‌ی آنچه که در عمل و احکام حق است.^۳

از سوی دیگر، در این نوشتار عقل مستقل پاره‌ای از اسلام دانسته می‌شود و در واقع قلمرو اسلام حداکثری تعریف می‌گردد.

اخلاق: درباره‌ی مفهوم فنی و اصطلاحی اخلاق در ابتدا لازم است بین اخلاق به مثابه‌ی یک علم و اخلاق به مثابه‌ی یک امر و حقیقت خارجی از جنس فضیلت یا عمل تفاوت قایل شد. همچنین، اخلاق به عنوان یک امر حقیقی و خارجی گاه به عنوان یک فضیلت یا رفتار شخصی مورد ملاحظه و مطالعه است که این نوع بحث قرابت زیادی با علوم روانی و تربیتی دارد؛ و گاهی به مثابه‌ی یک پدیده‌ی اجتماعی بررسی می‌شود. در این نوشتار، اخلاق اسلامی به مثابه‌ی یک علم مطالعه خواهد شد که البته گاهی موضوع گزاره‌ی اخلاقی، صفت یا

۱- ر.ک: علامه طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۰۱، و ج ۱۰، ص ۸۹؛ ج ۳، ص ۱۲۰.

۲- دیلمی و آذربایجانی، *اخلاق اسلامی*، ص ۶۸-۷۲.

۳- علامه طباطبایی، *المیزان*، ج ۳، ص ۱۲۰.



عمل اخلاقی به حمل شایع است؛ و ممکن است اشاراتی به وجوه دیگر آن نیز بشود.

در تعریف علم اخلاق از دو رویکرد عمده می‌توان یاد کرد: نخست، رویکردی که تعریف علم اخلاق را منطبق بر مفهوم لغوی واژه «اخلاق» یعنی جمع خُلُق‌ها یعنی منش‌ها و حالات و ملکات درونی می‌داند؛ و به عبارت دیگر، از سنت ارسطویی در این باب پیروی می‌کند.^۱ دوم، رویکردی که اگرچه جایگاه مهمی برای ملکات نفسانی در هندسه‌ی علم اخلاق قایل است، لکن قلمرو آن را اعم از منش‌ها، فضیلت‌ها، ملکات نفسانی و حوزه‌های رفتاری می‌داند؛ و به عبارت دیگر، قلمرو علم اخلاق را شامل فضیلت و عمل هر دو می‌پندارد.^۲ در این نوشتار، رویکرد دوم مورد تبعیت قرار گرفته است؛ زیرا به ویژه با توجه به آموزه‌های اخلاقی اسلام و تلقی عالمانی که در تألیفات اخلاقی خود بیشتر به متون دینی معطوف بوده‌اند، نه تنها دلیلی بر اختصاص موضوع علم اخلاق به فضیلت‌ها و رذیلت‌های نفسانی وجود ندارد، بلکه این امر به معنی نادیده انگاشتن بخش اعظم آموزه‌های اخلاقی اسلام و منحصر کردن آن به اخلاق فضیلت است، در حالی که منابع اولیه و به ویژه متون مقدس اخلاق اسلامی با نوعی اخلاق عمل هم قابل تبیین است.

بنابراین، اخلاق اسلامی در این نوشتار عبارت است از: «علمی که بر اساس منابع معتبر عقلی و نقلی در معرفت‌شناسی اسلامی، صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و

۱- ر.ک: ابن عدی، تهذیب الأخلاق، ص ۴؛ ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۵۱؛ خواجه طوسی، شرح اشارات، ص ۴۸.

۲- از جمله ر.ک؛ نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶-۲۷؛ ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۴، صص ۱۱۶-۱۱۷.

شیوه‌ی تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.^۱ و علاوه بر آن، به مبادی تصویری و تصدیقی این امر، و به عبارت دیگر، به مباحث فرااخلاقی آن نیز می‌پردازد.

نظام: در ادبیات عرب «نظام» به رشته، عامل و ملاک پیوند بین اشیاء مختلف گفته می‌شود.^۲ و ایجاد این پیوند انتظام، و حاصل این مصدر، «نظم» است. از جهت وجودشناختی «نظام»، «انتظام» و «نظم» در موجودات حقیقی از نوع معقولات ثانی فلسفی‌اند. لکن در حوزه‌ی علوم اعتباری که دارای موضوعات اعتباری‌اند این مفاهیم نیز اعتباری می‌باشند.

برای تحقق یک مجموعه‌ی منظم و از جمله یک مجموعه‌ی معرفتی منظم وجود سه عنصر یعنی: «اشیاء متعدد و اجزای مختلفی که به نوعی دارای هویت مستقل باشند»، «عامل پیوند دهنده و مرتبط کننده‌ی اجزاء»، و حاکمیت ترتیب، چینش و آرایش خاصی فراتر از صرف ارتباط بین اجزاء، لازم است.^۳ در واقع، عنصر اول و دوم نقش علت مادی و عنصر سوم نقش علت صوری نظم را ایفا می‌کنند.

مراد از «نظام» در اینجا، «نوع و ماهیت ساختار و علت صوری حاکم بر یک مجموعه‌ی معرفتی یعنی مجموعه‌ی قضایا و گزاره‌های موجود در منابع اخلاق اسلامی است»؛ یعنی بحث از نظام اخلاقی عمدتاً معطوف به علت صوری و ساختار اخلاق اسلامی و پژوهش‌های هنجاری و فرااخلاقی مربوط به آن است. همچنین، از میان انواع نظامی

۱- دیلمی، مبانی و ساختار اخلاق، دانشنامه‌ی امام علی (ع)، ص ۱۰۱.

۲- فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۸۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، صص ۵۷۸-۵۷۹.

۳- ر.ک: دیلمی، طبیعت و حکمت، ص ۵۹.

که به لحاظ علت صوری وجود دارد، عمدتاً نظم غایتمند و گاهی نظم علی و معلولی در این نوشتار مورد نظر است. از سوی دیگر، با توجه به نحوه‌ی وجود ماهیات و عناوین اخلاقی، مقصود در اینجا نظم اعتباری و قرار دادی است. بنابراین، مقصود از نظام اخلاقی مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قواعد، و موضوعات و مفاهیم اخلاقی است که دارای چنان چینش، مناسبات و ساختاری‌اند که چه از جهت روابط مفهومی و موضوعی و چه از حیث مناسبات بین احکام - اعم از ارزشی و الزامی - در راستای رسیدن به غایت خاصی عمل می‌کنند؛ و برخوردار از چنان سلسله‌های علت و معلولی هستند که دارای کارکرد عملی هماهنگ بوده و در راستای رسیدن به غایت واحد ایفای نقش می‌کنند؛ به طوری که می‌توان این کارکردها و ویژگی‌ها را از این مجموعه انتظار داشت: ۱- برخورداری از ساختار منطقی؛ ۲- وجود طبقه‌بندی بین مفاهیم، گزاره‌ها، قضایا، احکام و اصول؛ ۳- مدیریت اصول برتر نسبت به اصول زیرین؛ ۴- تعیین حدود و قلمرو هر یک از اصول توسط اصول دیگر؛ ۵- امکان تفسیر مفاهیم و اصول بر اساس ساختار حاکم بر عناصر؛ ۶- ارتباط منطقی مفاهیم با یکدیگر؛ ۷- امکان آموزش بهتر نظام فکری و عملی به روش قیاسی و برهانی.

چرایی نظام اخلاقی: آیا هیچ دلیل عقلی، عقلایی یا کلامی وجود دارد که اثبات کند در مرحله‌ی ثبوت، مجموعه‌ی دانش اخلاقی اسلام دارای نظم غایتمند یا علی و معلولی است؟ آیا در مرحله‌ی اثبات، انسان قادر به کشف این نظامندی خواهد بود؟

چیستی نظام اخلاقی: مراد از این عنوان تبیین ساختار یا ساختارهای ممکن برای نظام اخلاقی اسلام است. به طوری که بتوان دستگاه معرفت اخلاق اسلامی را همچون ساختمان بدن انسان تشریح کرد.

ماهیت بحث

اصولاً مجموعه‌ی پژوهش‌های اخلاقی به سه نوع توصیفی، فرا اخلاقی و هنجاری تقسیم می‌شود.^۱ مراد از پژوهش هنجاری در اینجا پژوهشی است که در آن محقق در پی داوری هنجاری و به طور مشخص از جنس هنجار اخلاقی است؛ زیرا هر نوع پژوهشی در بر دارنده‌ی نوعی داوری هنجاری متناسب با خود می‌باشد و تفاوت پژوهش‌ها از این جهت در نوع داوری هنجاری است. به بیان دیگر، توصیفی یا هنجاری پنداشتن یک گزاره، امری نسبی و اضافی است. با توجه به این نکته، مباحث اخلاق هنجاری که به ملاک و قاعده‌ی کلی خوبی و بدی اخلاقی و الزام یعنی باید و نباید اخلاقی و همچنین اصول و قواعد فرعی و جزئی ناشی از آن و حتی مسایل و مصادیق برگرفته از آن اصول و قواعد می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های درجه‌ی یک به شمار می‌آیند. و در مقابل، پژوهش‌های توصیفی و فرا اخلاقی که فاقد چنین داوری هستند، نوعی پژوهش درجه‌ی دوم به شمار می‌آیند.

ماهیت این تحقیق بدون شک از جنس پژوهش‌های هنجاری اخلاقی نیست؛ زیرا در آن علی‌الاصول نسبت به خوب و بد اخلاقی داوری نمی‌شود. به علاوه، ماهیت این بحث توصیف و گزارش خوبی و بدی‌های اخلاقی از دیدگاهی خاص یا گزارش تاریخ هنجارهای اخلاقی نیست، بلکه این نوشتار در صدد تحلیل عقلی و عقلایی و در عین حال غیر هنجاری و غیر اخلاقی عناصر دخیل در اخلاق اسلامی اعم از مفردات و مفاهیم و تصورات، و احکام و قضایا و تصدیقات است. بنابراین، ماهیت این پژوهش، درجه‌ی دوم و فرا اخلاقی است. در پژوهش‌های فرا اخلاقی تصورات و تصدیقات مطرح در علم اخلاق به

۱- ر.ک: فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه‌ی اخلاق، صص ۲۵-۲۶.



طور منفرد و یاب به عنوان یک کل از منظرهای مختلف ادبی و معناشناختی، معرفت‌شناختی، وجودشناختی، منطقی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و غیره مطالعه می‌شوند. در این پژوهش، همه‌ی عناصر و مؤلفه‌های دخیل در اخلاق اسلامی از حیث مناسبات، ساختار و چینش حاکم بر آنها و در حقیقت از جهت علت‌صوری مورد مطالعه‌ی عقلی و عقلانی قرار می‌گیرند.

چرایی نظام‌مندی اخلاق اسلامی

لازم است بحث از موضوع را در دو مرحله‌ی ثبوت و اثبات به طور جداگانه بررسی کرد:

دلایل نظام‌مندی اخلاق اسلامی در واقع

۱. حکمت الهی و نظام‌مندی معرفت اخلاقی
یکی از مبانی کلامی ضرورت نظام‌مندی اخلاق اسلامی، حکمت خداوند و هدفمند بودن همه‌ی صفات فعلی خداوند است. این صفت الهی اقتضا دارد که افعال تکوینی خداوند همگی دارای اهدافی شایسته بوده و لغو نباشند.^۱ و همین هدفمندی حاکم بر طبیعت است که نوعی نظام‌مندی غایت‌محور و نظم‌ی هدفمند را بر آن حاکم کرده است.^۲ حکمت خداوند اقتضا می‌کند که نه تنها در مناسبات تکوینی خود با غیر خود از چارچوب موازین حکیمانه خارج نگردد، بلکه در مناسبات تشریحی خود و در حوزه‌ی اراده‌ی تشریحی‌اش نیز بر اساس موازین حکمت تصمیم‌گیری نماید؛ و آنچه در حوزه‌ی اخلاق یا حقوق برای

۱- ر.ک: علامه حلی، کشف المراد، ص ۳۰۶.

۲- ر.ک: دیلمی، طبیعت و حکمت، ص ۸۳.

خلایق مقرر می‌فرماید در راستای اغراض و نهایتاً غرض واحدی که همانا هدف او از خلقت انسان بوده است، سازماندهی شده باشد. این امر نوعی نظم هدفمند را بر مجموعه‌ی نهادها و گزاره‌های مطرح در بستر معرفت اخلاقی اسلام حاکم خواهد کرد.

از سوی دیگر، مفاهیم و نهادهای اخلاقی ریشه در واقعیت‌های خارجی دارند، و این واقعیت را حتی کسانی که مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی را اعتباری می‌دانند نیز قبول دارند.^۱ در نتیجه، نوعی نظم علی و معلولی طولی یا عرضی بر مجموعه‌ی کارکرد ملکات، حالات و رفتارهای اخلاقی در عالم واقع حاکم است، و به پیروی از آن، نظم مشابهی از همان جنس بر ساختار وجود معرفتی علم اخلاق اسلامی نیز حاکم می‌گردد، و مجموعه‌ی مفاهیم و تصورات و همچنین قضایا و تصدیقات مطرح در این علم را با علّت صوری و ساختاری منظم گرد هم جمع می‌کند. در نتیجه، ما با یک شریعت اخلاقی منظم مواجه هستیم. و شاید یکی از نشانه‌های تکامل دانش جدید بشری تأمل در تجلیات تشریحی حکمت و عدالت خداوند در محتوا و ساختار شریعت و از جمله شریعت اخلاقی ادیان است.

۲. عدالت الهی و نظام‌مندی معرفت اخلاقی

در مباحث کلامی، اغلب، در حوزه‌ی روابط تکوینی خداوند با غیر خود از عدل الهی گفت‌وگو می‌گردد. مثلاً با استناد به آن از اختیار و آزادی فلسفی انسان دفاع می‌شود و یا وجود شرور در عالم تکذیب و یا

۱- ر.ک: ابن سینا، اشارات و تنبیها، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۲۰؛ طوسی، شرح اشارت، ج ۱، ص ۲۲۱؛ شیرازی، محاکمات، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۲۰؛ محقق اصفهانی، نهایت‌الدراية، ج ۳، صص ۳۳۵-۳۳۷ و ۳۴۲-۳۴۳؛ مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۲۹؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۵، صص ۹-۱۰ و اصول فلسفه، ج ۲، ص ۱۹۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، صص ۴۳۱-۴۵۱.



توجیه می‌گردد.^۱ لکن کارکرد عدالت الهی منحصر به صفات فعلی خداوند در حوزه‌ی تکوین نیست، بلکه صفتی حاکم بر افعال تشریحی خداوند یعنی تصمیمات، قراردادهای و امر و نهی‌های تشریحی وی نیز می‌باشد.

بنابراین، احکام ارزشی و الزامی اخلاقی که از جانب خداوند مقرر می‌گردد نیز مشمول عدل الهی است. عدالت چه به موزون بودن تعبیر گردد و چه به مفهوم تساوی و یا رعایت استحقاق‌ها و یا رعایت نیازها^۲، اقتضا می‌کند که اولاً، در طبیعت و وجوه عینی حقایق، نوعی نظم علی و معلولی طولی یا عرضی و یا ترکیبی از این دو، به وجود آید، و هر چیزی جایگاه خاصی داشته و در جای خود قرار گیرد؛ و ثانیاً، در وجود علمی و در هندسه‌ی علمی آن قوانین نیز - هم در بین تصورات و هم در رابطه‌ی میان تصدیقات - نوعی نظام‌مندی متناسب با نظم حاکم بر محکمی آنها پدیدار گردد.

امکان کشف نظام‌مندی اخلاق اسلامی

آیا امکان کشف و شناسایی و ترسیم ساختار منظم و قانون‌مند آن وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که نباید در اصل امکان این شناسایی تردید روا داشت. روش این تحقیق نیز منطقی و عقلی است که هم‌زمان با دوشیوه‌ی قیاسی و برهانی از یک سو و روش استقرایی از سوی دیگر به نتیجه خواهد رسید؛ زیرا عناصر و مؤلفه‌های تصویری و تصدیقی اخلاق اسلامی که عمده‌ی اجزای علت مادی این ساختمان را تشکیل می‌دهند، باید به شیوه‌ی استقرایی در منابع مربوطه شناسایی شوند. به علاوه، در

۱- ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، صص ۶۹-۱۵۹.

۲- ر.ک: مطهری، همان، ج ۱، صص ۷۸-۸۴.

منابع اولیه‌ی نقلی اخلاق اسلامی، یعنی کتاب و سنت، به نمونه‌های متعددی از طبقه‌بندی‌های نسبی از فضایل و رذایل اخلاقی برمی‌خوریم که لامحاله به شیوه‌ی استقرایی اصطیاد می‌گردند. لکن دستیابی به یک نظام و ساختار منظم معرفت اخلاقی بدون تردید نیازمند تحلیل‌های دقیق عقلی و برهانی و گاهی عقلایی نیز هست. علاوه بر همه‌ی اینها، نمی‌توان از نقش مهم تحلیل‌های ادبی و معناشناختی در کشف مناسبات بین تصورات و به تبع آن تصدیقات چشم‌پوشی کرد. باید مفهوم دقیق واژه‌های اخلاقی به کار رفته در موضوع و محمول قضایای اخلاقی که مقدمه‌ی تشخیص مناسبات بین آنها و تعیین جایگاه آنها در ساختار کلان اخلاق است، شناسایی شود.

فواید مهندسی ساختار نظام اخلاقی اسلام

۱. فواید علمی

از جهت علمی اولاً، برخورداری دانش اخلاقی از ساختار منظم و منطقی با برخورداری از ابعاد و لایه‌های توصیفی و هنجاری از یک سو، و مبادی عام و خاص از سوی دیگر، هم تصور آن را آسان‌تر خواهد کرد و هم تصدیق و باورپذیری آن را بیشتر می‌نماید. ثانیاً، برخلاف برخی برداشت‌ها که تشّت و پراکندگی بین گزاره‌های اخلاقی را وجه فارق بین اخلاق و علوم دیگر می‌دانند، اثبات نظام‌مندی ساختار آن، این علم را به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌ها با ساختاری قانون‌مند و منطقی معرفی می‌کند. ثالثاً، در مقام تعلیم به تقدّم و تأخرهای منطقی و ارتباطات مثبت و منفی بین تصورات و تصدیقات آن توجه خواهد شد. رابعاً، در پژوهش‌های اخلاقی به اولویت‌ها و ترتب مباحث بر یکدیگر توجه می‌شود و بر ارزش علمی تحقیقات می‌افزاید و از تکرار پژوهش‌های غیر مفید پیشگیری خواهد کرد. خامساً، این امر می‌تواند

قلمرو اخلاق اسلامی و جامعیت آن و برتری‌اش در مقایسه با اندیشه‌های رقیب را نشان دهد.

۲. فواید عملی

اولاً، شاید مهم‌ترین اثر ترسیم ساختار اخلاق اسلامی در بخش اخلاق هنجاری و تربیتی، طبقه‌بندی ارزش‌های اخلاقی، و به هر ارزش اخلاقی اهمیت در خور و شایسته‌ی خود را دادن است. یکی از انحرافات بزرگ اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی اصول را در جایگاه فروع نشانیدن و به فروع ارزش اصولی دادن است. روشن است که فرد یا جامعه‌ای که برنامه‌های جزئی و فرعی را به جای راهبردها نشاناند به سعادت نخواهد رسید. ثانیاً، دستیابی به سازمان اخلاق اسلامی و اصل و فرع آن در حل نزاحمات و تشخیص مصالح برتر بسیار راه‌گشا خواهد بود. ثالثاً، این امر از جهت تربیت اخلاقی نقشه‌ی راهی است که نقطه‌ی شروع و پایان سلوک اخلاقی را روشن خواهد کرد تا فرد به جای درمان علل به برخورد با معلول‌ها نپردازد. در مجموع، ترسیم نظام دانش اخلاقی اسلام، نقشه‌ی راهی است در کار اخلاقی؛ هم در حوزه‌ی علمی و هم در عمل اخلاقی.

چیستی نظام اخلاقی اسلام

لازم است ابتدا فهرستی توصیفی از انواع مؤلفه‌هایی که در شکل‌گیری این ساختار ایفای نقش می‌کنند، ارائه گردد؛ سپس، گزارشی از عناصر طبقه‌بندی شده‌ای که به طور عموم در ساختار علوم انسانی هنجاری وجود دارند، بیان شود؛ همچنین، نگاهی به عمده‌ترین ساخت‌های اخلاقی موجود در مغرب زمین و در بین عالمان مشهور اخلاق اسلامی صورت گیرد. و در نهایت، نظام پیشنهادی نگارنده به طور اجمال معرفی شود.

مؤلفه‌های نظام اخلاقی اسلام

مجموعه‌ی عناصر مطرح در نظام اخلاقی را می‌توان از برخی جهات اصلی‌تر به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. از جهت تصور یا تصدیق بودن:

عناصری که نقش علت فاعلی را در یک ساخت علمی بازی می‌کنند منطقاً یا تصوراند و یا تصدیق. هریک از این دو نیز خود دارای انواعی به شرح زیر هستند:

الف) عناصر تصویری (مفهومی): عناصر تصویری که در یک گزاره‌ی اخلاقی هنجاری که هسته‌ی مرکزی پژوهش اخلاقی را تشکیل می‌دهد - از سه نوع زیر خارج نیستند:

- **مفاهیم موضوعی:** یعنی مجموعه مفاهیمی که بیان‌کننده‌ی نوعی عمل اخلاقی‌اند. به بیان دیگر، تصورات و مفاهیمی که بیان‌کننده‌ی شأنی از شؤون عمل اختیاری انسان است و شأنت اخلاقی دارد و در یک گزاره‌ی اخلاقی موضوع قرار می‌گیرد. محور همه‌ی این مفاهیم، عمل اخلاقی انسان است، و تعداد آنها نامحدود و فزاینده می‌باشد. عدالت، ظلم، دروغ، احسان، دورویی و بردباری نمونه‌هایی از این دست عناصر تصویری‌اند.

- **مفاهیم محمولی (ارزشی):** اینها مفاهیمی‌اند که در ناحیه‌ی محمول یک گزاره‌ی اخلاقی جای می‌گیرند. این مفاهیم از این جهت که ابزاری برای ارزش‌گذاری مفاهیم موضوعی هستند، به نام مفاهیم ارزشی شناخته می‌شوند. رایج‌ترین این نوع مفاهیم، واژگان «خوب» و «بد»‌اند، اگرچه این قبیل مفاهیم منحصر در این دو واژه نیستند و هر مفهومی که بیان‌کننده‌ی بیهنجار یا نابهنجار بودن عملی که شأنت اخلاقی دارد، باشد، یک مفهوم اخلاقی ارزشی به‌شمار می‌آید؛ به عنوان مثال، در

متون اولیه‌ی اخلاق اسلامی واژگانی چون سعادت، شقاوت، فلاح، نجات و هلاکت همان مفاهیم ارزشی اخلاقی‌اند.

- **مفاهیم حرفی (الزامی):** این مفاهیم برآمده از نوع و ماهیت نسبتی است که بین موضوع و محمول در یک گزاره‌ی اخلاقی وجود دارد. و از این جهت که در تحقق برآمده از نسبت حکمی‌ی موجود بین موضوع و محمول و وابسته به آنها بوده و ماهیت ربطی دارند می‌توان آنها را مفاهیم و معانی ربطی دانست، مانند معانی ربطی حروف.^۱ و از این حیث که تکلیف فاعل را نسبت به انجام یا ترک فعل مشخص نموده و بایستگی یا نبایستگی آن را بیان می‌کنند، به مفاهیم الزامی مشهور شده‌اند.^۲

ب) عناصر تصدیقی: یعنی گزاره‌ها، و جملاتی که مدعیات و احکام اخلاقی در مفهوم عام، در قالب آنها بیان می‌گردند. این قبیل عناصر خود دارای اقسامی از نوع اخباری و انشایی‌اند.

- **عناصر تصدیقی انشایی:** مراد از اخباری یا انشایی بودن گزاره‌ی اخلاقی در اینجا با بحثی که در معرفت‌شناسی اخلاقی مطرح است - مبنی بر این که «گزاره‌های اخلاقی اخباری و توصیفی است و یا انشایی و غیرشناختاری» بسیار متفاوت است؛ زیرا در آنجا محور بحث، گزاره‌های اخلاق هنجاری است، ولی در اینجا مراد، مجموعه‌ی گزاره‌هایی است که در پژوهش‌های اخلاقی و به ویژه در منابع اصیل اخلاق اسلامی وجود دارد.

۱- ر.ک: صدر، دروس فی علم الاصول، ج ۳، صص ۹۳-۱۰۸.

۲- ر.ک: فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه‌ی اخلاق، ص ۳۶.

بسیاری از گزاره‌های اخلاقی موجود در منابع اصیل اسلامی از جنس گزاره‌های انشایی‌اند. متعلق این امر و نهی‌ها و یا توصیه‌ها و تشویق و ترهیب‌ها و تخییرها، گاهی فعلی است در حوزه‌ی چگونه اندیشیدن، تحقیق کردن و تعلیم و تعلم؛ و گاهی مربوط به فضیلت و رذیلت‌ها و ملکات و منش‌های نفسانی است؛ و گاهی نیز به رفتارها مربوط می‌شود.

در خصوص تعداد این عناصر و انواع اصلی عناصر تصدیقی الزامی، اتفاق نظر وجود ندارد. نظریه‌ی رایج در پژوهش‌های عقلانی اخلاقی در مغرب زمین انحصار این گونه گزاره‌ها به گزاره‌های بیانگر الزام به انجام و گزاره‌های بیانگر الزام به ترک، و به بیان دیگر، گزاره‌های مفید باید و نباید است.^۱ در مقابل، برخی از متفکران مسلمان انواع این قبیل تصدیقات را پنج نوع می‌دانند. طبق این دیدگاه، تعداد جهات قضایا در حکمت نظری و عملی متفاوت بوده، و مفاهیم ارزشی اخلاق برآمده و تابع جهت قضایای اخلاقی است. به طور مشخص، جهات در قضایای حکمت نظری عبارتند از: ضرورت، امکان و امتناع. همین سه نوع جهت در قضایای مربوط به حکمت عملی و از جمله قضایای اخلاقی هم وجود دارد، ولی در اینجا از این جهات با نام‌های وجوب، اباحه و حرمت یاد می‌شود؛ لکن جهات، در قضایای حکمت عملی منحصر به این سه نوع نیست؛ زیرا در جهت قضایای اخلاقی اولویت انجام یا ترک هم وجود دارد که از آنها به «استحباب» و «کراهت» یاد می‌شود. پس در علوم عملی از قبیل اخلاق و فقه به پیروی از جهات پنج‌گانه قضایای شان عناصر تصدیقی انشایی پنج نوع هستند. یعنی این گزاره‌های انشایی: (۱) یا ناظر به الزام به انجام، (۲) یا ناظر به الزام به ترک، (۳) یا بیان‌کننده‌ی حق و آزادی عمل توسط فاعل و عدم ترجیح فعل و

ترک، (۴) یا بیان کننده ی رجحان انجام فعل؛ (۵) و یا بیان کننده ی رجحان ترک عمل اند.^۱

- **عناصر تصدیقی اخباری:** در متون اصلی اخلاق اسلامی گزاره های بسیاری وجود دارد که عمدتاً گزارشگر وضعیتی در وجود انسان اند؛ یا بیانگر واقعیتی جامعه شناختی و در واقع مربوط به حوزه ی جامعه شناسی اخلاق اند. صرف نظر از اغراضی که در ورای پرداختن به این قبیل گزاره ها وجود دارد، و گذشته از این که آیا می توان از این قبیل گزاره های ناظر به واقع و از جنس «هست» به گزاره های انشایی اخلاقی راه یافت یا خیر، اینها بخشی از مجموعه ی عناصری است که تشکیل دهنده ی ساخت معرفت اخلاقی اند و باید جایگاه آنها در ساختار اخلاق اسلامی معین گردد.

۲. از جهت کلی و جزئی بودن

وضعیت عناصر تصویری و مفهومی از جهت کلی یا جزئی بودن و جایگاهی که بر همین اساس در مخروط معرفت اخلاقی پیدا می کنند، از وضعیت عناصر تصدیقی اخلاق متفاوت است:

الف) انواع مفاهیم: مفاهیم اخلاقی را از این جهت دست کم می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی مفاهیم مفردی که یک نهاد اخلاقی را تشکیل می دهند، مانند تقوا؛ و دوم، دسته ای از مفاهیم اخلاقی که تشکیل دهنده ی یک خانواده ی اخلاقی اند و در یک حوزه ی اخلاق کاربردی با هم عمل می کنند. مثلاً مفاهیمی مانند قناعت، حرص، اسراف و اقتصاد در حوزه ی اخلاق اقتصادی، یک خانواده ی مفهومی را تشکیل می دهند.

۱- ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، صص ۳۳-۳۶.

ب) **انواع تصدیقات:** گزاره‌های اخلاقی از جهت کلی و جزئی بودن و گستره‌ی عملکرد در سطح یکسانی نیستند، بلکه نوعی سلسله مراتب از عام به خاص و یا بالعکس بین آنها برقرار است؛ به طوری که در این باب می‌توان از گزاره‌های ناظر به مکتب اخلاقی، نظریه‌های اخلاقی، اصول اخلاقی، قواعد اخلاقی، مسأله‌ی اخلاقی و پرونده‌ی اخلاقی سخن گفت.

۳. از جهت ماهیت گزاره‌ها

از این جهت گزاره‌های مطرح در مجموعه‌ی دانش اخلاقی اسلام و یا نظام جامع معرفت اخلاقی اسلام عبارتند از: پیش فرض‌های عمومی علم اخلاق، مطالعات توصیفی اخلاق، مباحث فرا اخلاقی، مباحث مربوط به منطق علم اخلاق و استدلال اخلاقی، اخلاق هنجاری نظری و اخلاق هنجاری عملی یا تربیت اخلاقی.

نظام‌های رایج در متون اخلاق اسلامی

در مجموعه‌ی متون اخلاقی موجود در جهان اسلام چندین نوع ساختار مشاهده می‌شود. نظام ارسطویی، عرفانی، ساختار نامنظم، نظام سه بُعدی و چهار بُعدی از عمده‌ترین ساخت‌هایی است که در این متون مشاهده می‌شود. همچنین اخلاق پژوهان مغرب زمین نیز ساختاری را پیشنهاد می‌کنند که اشاره به آن، با توجه به این که بسیاری از نویسندگان از آن استقبال کرده‌اند، خالی از فایده نیست.

۱. نظام ارسطویی

از کتاب **تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق** نوشته‌ی ابن مسکویه می‌توان به عنوان مهم‌ترین نماینده‌ی این نظام در تراث اخلاقی مسلمین یاد کرد. در این اثر بحث از اخلاق با انسان‌شناسی اخلاقی و به طور مشخص شناسایی نفس و روح آدمی شروع می‌گردد. در مقاله‌ی دوم این کتاب انواع خُلیقات و ملکات نفسانی

و طبایع انسانی، جایگاه علم اخلاق، عقل عملی و نظری، مرتبه‌ی اعلای سعادت، طبقه‌بندی ارزش قوای نفسانی و حتی تربیت اخلاقی کودکان پرداخته شده است. در مقاله‌ی سوم، نویسنده به رابطه‌ی بین خیر و سعادت می‌پردازد و به بحث از ماهیت سعادت و راه وصول به آن نیز اشاره می‌کند. سپس نویسنده چون تجلی سعادت را در رفتار آدمی می‌داند، برخی اعمال اصلی انسان یعنی شجاعت، سخاوت و عدالت را می‌کند و در پی آن به اسباب زیان‌های اخلاقی اشاره می‌نماید. در بخش بعدی اثر، انواع محبت و شؤون مختلف آن بررسی می‌شود. در نهایت، از امراض اخلاقی و شیوه‌ی درمان آنها سخن گفته می‌شود.^۱ اگرچه ساختار دانش اخلاقی در این نظام چندان منطقی و منظم نیست، بسیار تحت تأثیر شیوه‌ی ارسطویی و یونانی است.

۲. نظام عرفانی

منابع اخلاق عرفانی دقیقاً از ساخت و نظام و احدی پیروی نمی‌کنند، لکن می‌توان قدر مشترک همه‌ی آنها را تبعیت از آغاز و انجام مسائل، مراحل و ابزارهایی دانست که یک فرد برای اخلاقی شدن در عمل با آنها مواجه می‌گردد. همه‌ی این متون از ساختی سفرگونه برخوردارند و عناصر و مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی را به مثابه‌ی آنچه یک رهرو در جای جای سفر معنوی خود بدان نیازمند است، تعریف می‌کنند. با وجود این اشتراک، متونی از این دست با تفاوت‌هایی نیز درباره‌ی منازل و مراحل این سفر همراه‌اند.^۲ در مجموع، در این نظام اخلاقی تبیین نظام معرفت معنوی، عمدتاً ناظر به ساحت عملی و تربیتی آن است.

۱- ر.ک: ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۲۴.

۲- ر.ک: انصاری هروی، خواجه عبدالله، منازل السائرین، صص ۱۰- ۲۳؛ بحر العلوم، سید مهدی، رساله‌ی سیر و سلوک، صص ۵-۹؛ ملکی تبریزی، میرزا جواد، رساله‌ی لقاء الله، صص ۲۶۱ و ۲۶۷؛ شجاعی، محمد، مقالات، صص ۷-۱۲.



۳. ساختار چهار بُعدی

در این نوع ساختار که عمدتاً بر حوزه‌ی اخلاق هنجاری تأکید می‌ورزد، ساختار و نظام کلی حاکم بر معرفت اخلاقی از تقسیم چهارتایی عبادات، عادات، منجیات و مهلکات یعنی فضایل و رذایل و در واقع خوب‌ها و بد‌ها پیروی می‌کند. کتاب معروف *احیاء العلوم* و به پیروی از آن شرح و تہذیب آن یعنی *المحجۃ البیضاء* دارای چنین ساختاری است.^۱ همچنین گاهی ساختار چهار بُعدی بر اساس چهار رابطه‌ی انسان با خداوند، دیگران، خویشتن و طبیعت ترسیم می‌گردد.

۳. ساختار نامنظم

بعضی از نویسندگان اخلاق حتی اگر معرفت اخلاقی را در واقع دارای ساختاری منطقی و منظم بدانند، لکن در مرحله‌ی ارایه، آن را نامنظم عرضه می‌کنند. مصادیق این متون که عمدتاً بر محور قرآن کریم و سنت شریف نگاشته شده‌اند، فراوانند.^۲

۴. ساختار سه بُعدی

این نوع ساختار در پژوهش‌های جدید اخلاقی در مغرب زمین پیشنهاد می‌گردد؛ و در آن مجموعه‌ی پژوهش‌های اخلاقی در سه بخش توصیفی، فرا اخلاقی و هنجاری جای می‌گیرد.^۳ در ساختار اخیر، اخلاق تربیتی مغفول واقع شده و به جایگاه اصول عام و خاص ناشی از نظریه‌ی

۱- فیض کاشانی، مولی محسن، *المحجۃ البیضاء*، ج ۱، صص ۴ و ۵.

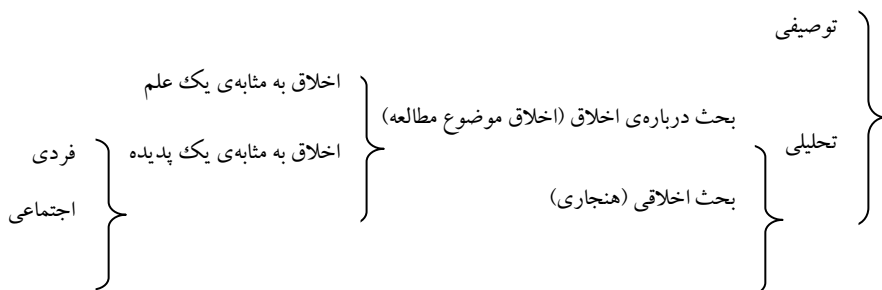
۲- ر.ک: گیلانی، عبدالرزاق، *مصباح الشریعة*، صص ۳-۴؛ امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۴۶۷ و ۵۰۳.

۳- ر.ک: فرانکنا، ویلیام کی، *فلسفه‌ی اخلاق*، صص ۲۵-۲۷.

کلان اخلاق هنجاری چندان توجهی نشده است. نظام‌هایی از این نوع، دست کم به دلیل عدم جامعیت و نقص نمی‌تواند مطلوب باشد.

نظام پیشنهادی اخلاق اسلامی

در قدم نخست باید بین گزارش از اخلاق و بحث تحلیلی مرتبط با اخلاق فرق گذاشت. همچنین، در یک بحث تحلیلی مرتبط با اخلاق لازم است بین بحث تحلیلی اخلاقی و بحث درباره‌ی اخلاق تمایز ایجاد کرد. بحث تحلیلی و عقلی اخلاقی دارای ماهیت هنجاری است و به پاسخ‌گویی به مسائل خُرد و کلان اخلاق هنجاری می‌پردازد؛ در حالی که در بحث تحلیلی درباره‌ی اخلاق ماهیت بحث فاقد جوهره‌ی هنجار اخلاقی است، و اخلاق به عنوان یک موضوع بررسی می‌شود. همچنین، مطالعه‌ی اخیر، خود دو نوع است: گاهی اخلاق به مثابه‌ی یک دستگاه معرفتی و یک علم ملاحظه می‌شود و گاهی به مثابه‌ی یک پدیده‌ی خارجی فردی یا اجتماعی موضوع شناسایی است؛ بنابراین، ساختار کلان مطالعات اخلاقی را به شکل زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:



قبل از این که به توضیح مختصر هریک از این پژوهش‌ها و بیان اقسام احتمالی آنها پردازیم لازم است جایگاه اخلاق نظری و عملی که در ادبیات اخلاقی نویسندگان مسلمان رایج بوده و هست در این

تقسیم‌بندی کلان روشن گردد. به نظر می‌رسد که مفهوم اخلاق در ادبیات آنها همه‌ی آنچه را که امروزه اخلاق توصیفی نامیده می‌شود در بر می‌گیرد. پژوهش‌هایی که اخلاق را به عنوان یک موضوع مورد مطالعه قرار می‌دهد و شاید به تعبیری بتوان آنها را مباحث پیرامونی اخلاق نام نهاد و حتی بخشی از مباحث کلان اخلاق هنجاری. البته مباحث توصیفی یا پیرامونی اخلاق در این منابع هرگز در حد و اندازه‌های امروزی آن نیست؛ از این رو، اخلاق عملی تنها عبارت است از آن بخش از اخلاق هنجاری که ارتباط نزدیکی با عمل دارد و قاعده‌ای برای رفتار است. تفصیل نظام اخلاقی اسلام در چارچوب تقسیمات کلان مندرج در نمودار نخست به شرح زیر است:

۱. پژوهش‌های توصیفی اخلاق

این پژوهش‌ها ممکن است در قالب‌ها و با عناوین مختلف صورت گیرند. از جمله به صورت تاریخ‌نگاری اخلاق در حوزه‌های فکری از جمله اسلامی، مسیحی، یهودی؛ غربی، شرقی؛ و یا مقطعی مشخص از تاریخ، مثلاً در قرون میانه. همچنین، همه‌ی بحث‌هایی که با عنوان پیشینه‌ی تاریخی موضوعات اخلاقی انجام می‌شود از این جنس به شمار می‌آیند. با نگاهی دقیق‌تر همه‌ی آنچه به عنوان مقدمه‌ی نقد و بررسی یک نظریه در باب شرح و توضیح آن گفته می‌شود باید نوعی پژوهش توصیفی در حوزه‌ی اخلاق دانست.

۲. پژوهش درباره‌ی اخلاق

الف) اخلاق به مثابه‌ی پدیده‌ای خارجی: اخلاق با این ماهیت نیز دو چهره‌ی متفاوت دارد: گاهی به عنوان یک پدیده‌ی معنوی فردی مطرح است، و گاهی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی که در ساحت مطالعات

اجتماعی و یا موضوع مشترک روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در روان‌شناسی اجتماعی مطالعه می‌شود:

- اخلاق به مثابه‌ی پدیده‌ای فردی: این نوع مطالعه ماهیت روان‌شناسانه دارد و نقش اخلاق را در بهداشت روانی، سلامت روانی و آسیب‌های روانی مطالعه می‌کند. به بیان دیگر، در اینجا ارزش‌های مثبت اخلاقی به عنوان عوامل پیشگیری کننده یا درمان کننده‌ی نارسایی‌ها و آسیب‌های روانی و ارزش‌های منفی اخلاقی به عنوان اسباب ایجاد یا تشدید امراض روانی مطالعه می‌شوند می‌توان از این نوع پژوهش‌های اخلاقی با عنوان روانشناسی اخلاق یاد کرد.

- اخلاق به مثابه‌ی پدیده‌ای اجتماعی: در این نوع پژوهش‌های اخلاقی که در عین حال حوزه‌ی خاصی از مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسانه نیز به شمار می‌آیند، اخلاق به عنوان یک نهاد یا پدیده‌ای اجتماعی مطالعه می‌شود. در این مطالعه، اخلاق گاهی به عنوان یک سبب تأثیرگذار در تغییر و تحولات اجتماعی مطرح است و گاه نیز به عنوان یک معلول لحاظ و عوامل اجتماعی مؤثر در تعالی و انحطاط آن جستجو می‌شود. می‌توان از این قبیل پژوهش‌های اخلاقی با نام جامعه‌شناسی اخلاق یاد کرد.

ب) اخلاق به مثابه‌ی یک علم: از این جهت نیز اخلاق دارای اجزاء معرفتی مختلفی است؛ و پژوهش‌های متفاوت و یا گزاره‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله‌ی مهم‌ترین آنها عبارتند از: دسته‌ای از گزاره‌ها که بیان کننده‌ی پیش فرض‌های عمومی علم اخلاق‌اند و خود شامل پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه‌ی عام، هستی‌شناسانه‌ی عام، کلامی عام و انسان‌شناسانه‌ی عام می‌گردند؛ دسته‌ای دیگر در بر دارنده‌ی مباحث فرا اخلاقی در مفهوم مصطلح‌اند و از جمله شامل مباحث معناشناسانه، وجودشناسانه، کلامی و الهیاتی، معرفت‌شناسانه،



انسان‌شناسی اخلاقی، و منطقی می‌گردد؛ و بخشی دیگر از این پژوهش‌ها به قواعد استدلال و روش‌شناسی علم اخلاق اعم از امکان آن، روش آن، ثبات و تغییر آن، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معرفت اخلاقی می‌پردازند. وجه مشترک انواع پژوهش‌هایی که تاکنون توصیف شده، در این است که هیچ‌یک واجد جوهره‌ی تحلیل هنجاری اخلاقی نیست. صورت‌بندی این قبیل پژوهش‌های اخلاقی به شرح زیر است:



- پیش فرض‌های عام علم اخلاق: بدون تردید هر نظام معرفت اخلاقی را باید در جغرافیای کلان معرفت بشری فهم و تفسیر کرد. لایه‌های زیرین معرفت اخلاقی ریشه در ساحت‌های فوقانی معرفت انسانی دارند. اگرچه

این سطوح برتر اولاً و بالذات بحث‌های اخلاقی حتی از جنس توصیفی یا فرا اخلاقی و بحثی درباره‌ی اخلاق نیستند، لکن این قبیل مباحث اخلاقی از گزاره‌های بالادستی ارتزاق کرده و مبتنی بر آنها می‌باشند. از این رو این قبیل قضایا در علم اخلاق به عنوان پیش فرض مسلّم و اثبات شده فرض می‌شوند؛ و چون اختصاص به علم اخلاق ندارند پیش فرض‌های عام علم اخلاق نامیده می‌شوند. برای نمونه می‌توان از نظریه‌ی عمومی معرفت که یک نظام اخلاقی در بستر آن شکل می‌گیرد به پیش فرض‌های عام معرفت‌شناسی؛ از نظریه‌ی عمومی و فلسفی هستی‌شناسانه به عنوان پیش فرض عام وجود شناسانه؛ و از دیدگاه‌های کلان الهیاتی به عنوان پیش فرض‌های عام الهیاتی؛ و از نظریه‌ی کلان در باب حقیقت انسان، به عنوان پیش فرض عام انسان‌شناسانه یاد کرد.

- مباحث فرا اخلاقی: در مفهوم رایج، مباحث فرا اخلاقی به پرسش‌های بنیادین درباره‌ی توجیه احکام هنجاری به شیوه‌ای تحلیلی و انتقادی پاسخ می‌دهند^۱ این پرسش‌ها ممکن است از جمله در زمینه‌های معناشناسانه، وجودشناسانه، معرفت‌شناسانه، جنبه‌های منطقی تصورات یا تصدیقات اخلاقی و یا جنبه‌های خاص انسان‌شناسانه‌ی اخلاقی باشند. در این قبیل پرسش‌ها به طور مستقیم از دیدگاه کلان در باب نیک و بد اخلاقی و یا نیکی و بدی یک عمل اخلاقی بحث نمی‌شود؛ بلکه به جنبه‌هایی پرداخته می‌شود که بحث‌های هنجاری مبتنی بر آنها هستند. مثلاً بحث از نظریه‌ی عمومی و مکتب اخلاق هنجاری هرگز بدون پاسخ دادن به پرسش‌هایی در باب حقیقت انسان، ساحت‌های وجودی انسان، غایت انسان، خود مختاری انسان، کرامت ذاتی یا اکتسابی انسان و به

۱- ر.ک: فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه‌ی اخلاق، صص ۲۶-۲۷.

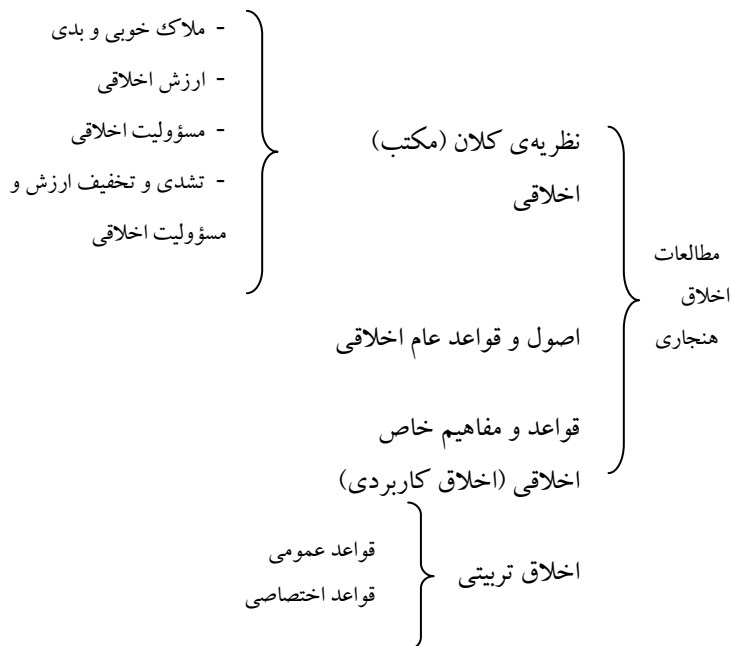
طور کلی انسان‌شناسی خاص اخلاقی میسر نمی‌گردد. از این رو بحث از انسان‌شناسی اخلاقی نوعی از مباحث فرا اخلاقی است.

- روش‌شناسی اخلاق: گونه‌ی سوم پژوهش در اخلاق به مثابه‌ی یک علم، تحقیقاتی است که محور موضوعات آن را معرفت اخلاقی تشکیل می‌دهد. امکان‌شناسایی اخلاقی، روش و منطق اکتشاف و استدلال اخلاقی، ثبات و تغییر معرفت اخلاقی، روان‌شناسی معرفت اخلاقی و مطالعات جامعه‌شناسانه در باب معرفت اخلاقی از عمده‌ترین جنبه‌هایی‌اند که در این باب شایسته‌ی پژوهش‌اند؛ لکن پژوهش‌های اخلاقی در بین عالمان مسلمان در این زمینه دچار ضعف تاریخی است. شاید یکی از دلایل عمده‌ی آن کافی پنداشتن منطق استدلال فقهی برای پژوهش‌های اخلاقی باشد که آن نیز به نوبه‌ی خود از عدم مرزبندی دقیق بین فقه و اخلاق ناشی شده است. اگرچه این تصور تا حدودی مقرون به صحت است، هرگز عمومیت ندارد و نمی‌تواند توجیه‌گر ضعف مطالعات در باب روش‌شناسی اخلاق باشد.

۳. پژوهش‌های هنجاری اخلاق

جوهره‌ی مشترک همه‌ی این مطالعات برخورداری از داوری و تحلیل هنجاری است. این پژوهش‌ها یا ناظر به تبیین نظریه‌ی کلان اخلاق هنجاری یا مکتب اخلاقی‌اند که خود شامل بحث از ملاک‌حسن و قبح عمل، ارزش و مسؤولیت اخلاقی و تشدید و تخفیف آنها می‌گردد؛ یا مربوط به اثبات و تبیین اصول، قواعد و مفاهیم عام اخلاقی است که کارکرد فرابخشی دارند؛ یا ناظر به قواعد و مفاهیم خاصی است که تنها در حوزه‌ی خاصی از زندگی آدمی کاربرد دارند (اخلاق کاربردی)؛ و یا مربوط به مفاهیم و قواعد عام و خاصی است که در جریان اخلاقی شدن (اخلاق تربیتی) کار آمدند. بنابراین، ساختار کلان

مطالعات اخلاق هنجاری براساس تقسیم دوم که محور مباحث بعدی است را می توان به شکل زیر ترسیم کرد:



شرح مختصر این نمودار و زیرشاخه های آن به شرح زیر است:

الف) مکتب اخلاقی: پرسش اصلی در اخلاق هنجاری مربوط به تبیین ملاک و قاعده ی اصلی خوبی و بدی عمل است. در پاسخ به این پرسش، مکاتب اخلاقی از یک سو به اخلاق فضیلت و عمل و از سوی دیگر به اخلاق وظیفه و نتیجه تقسیم شده اند^۱ برخی از نویسندگان تقسیمات دیگری را نیز در این باره مطرح کرده اند.^۲ گونه های دیگری از پرسش ها به دنبال این پرسش اصلی مطرح می گردد که لازم است در

۱- فرانکنا، ویلیام کی، *فلسفه ی اخلاق*، صص ۳۵-۳۸.

۲- ر.ک: پل ادواردز، *فلسفه ی اخلاق*، ص ۲۷.

همین حوزه بررسی شود. در اینجا باید بین دو مرحله‌ی بحث تمایز ایجاد گردد: گاهی سخن در این است که یک فعل اختیاری صرف نظر از انگیزه، نیت و به طور کلی وضعیت و شخصیت فاعل تحت چه شرایطی متصّف به خوبی یا بدی می‌گردد. این بحث در ادبیات متکلمان مسلمان با عنوان «حسن و قبح» شناخته می‌شود؛ ولی گاهی سخن در این است که یک فاعل تحت چه شرایطی به لحاظ اخلاقی ارزشمند شمرده شده و آثار یک انسان ارزشمند را از جهت اخلاقی می‌توان نسبت به او مجری دانست، یا مسؤول شمرده شده و باید عواقب این مسؤولیت را بر عهده نهاد. در بحث اخیر، علاوه بر وضعیت ذاتی فعل، عناصر فاعلی یعنی وضعیت فاعل، چه از جهت مادی و چه از لحاظ روانی و معنوی نیز لحاظ شود. در این نوشتار از این گونه پژوهش‌ها با عنوان ارزشمندی و مسؤولیت اخلاقی یاد می‌شود؛ و در این گونه بحث‌ها از عناصر مؤثر فعلی و فاعلی سخن به میان می‌آید.

یکی از وجوه مزیت و غنای نظام اخلاقی اسلام که بر کارآمدی عملی آن تأثیر بسزایی دارد انبوه آموزه‌هایی است که در باب تشدید یا تخفیف ارزشمندی اخلاقی و یا مسؤولیت اخلاقی در منابع اصلی اخلاق اسلامی وجود دارد.^۱ بحث از مکتب اخلاقی، هسته‌ی مرکزی بحث‌های نظری اخلاق هنجاری را تشکیل می‌دهد و در تاروپود همه‌ی لایه‌های زیرین اخلاق هنجاری و حتی اخلاق تربیتی حضور دارد.

ب) اصول و قواعد عام اخلاقی: در لایه‌ای میان نظریه‌ی کلان اخلاق هنجاری و قواعد و مفاهیم خاص اخلاق کاربردی، اصول و قواعد نسبتاً عام‌تری وجود دارند که اختصاص به حوزه‌ی خاصی از زندگی ندارند؛

۱- ر.ک: دیلمی، احمد، مبانی و ساختار اخلاق، صص ۱۲۱-۱۲۹.

و از سوی دیگر، اگرچه برآمده از نظریه‌ی کلان اخلاق هنجاری‌اند، از آن جزئی‌تر بوده و عین یا مترادف با آن نیستند. عدم ساماندهی منطقی این مفاهیم و قواعد، به تفکر حاکمیت بی‌نظمی بر اخلاق اسلامی و در نتیجه غیر علمی انگاشتن ماهیت آن، دامن می‌زند. با توجه به کارکرد ماهوی و طبیعی این مفاهیم و قواعد، می‌توان آنها را در گروه‌های زیر جای داد:

- قواعد عام هدایت‌گر: این قبیل مفاهیم و قواعد اخلاقی که ناظر به نوعی ویژگی نفسانی است، روشن‌گر راه‌های تأثیرگذار در انسان هستند. مهم‌ترین این مفاهیم و قواعد «ایمان» و «یقین» است.

- قواعد عام ناظر به عمل: این‌گونه مفاهیم و قواعد عام، ناظر به عمل و اجرا هستند؛ برخلاف نوع قبل که ناظر به معرفت بودند. این نوع خود دارای اقسامی به این شرح‌اند: برخی به ما می‌آموزند که نسبت به مبدأ هستی چگونه باشیم، مانند توکل، تسلیم و رضا؛ برخی رفتار ما را نسبت به معاد ساماندهی می‌کنند، مانند خوف، رجا و یأس؛ بعضی تعامل ما را نسبت به خویشان مدیریت می‌کنند، مانند عجب، افتخار، عزت نفس و عصیبت؛ برخی چگونه بودن ما را نسبت به فردا و آینده سامان می‌دهند، مانند آرزو، تسویف، عجله و همت؛ گروهی رفتار ما را نسبت به مواهب طبیعی و دنیوی رقم می‌زنند، مانند زهد، حرص، حسرت و قناعت؛ بعضی تعامل ما با دیگران را مدیریت می‌کنند مانند حسادت و حقد؛ و در نهایت بعضی ترسیم‌کننده‌ی آرایش دفاعی نفس انسانی در قبال خطرات اخلاقی‌اند، مانند سکون، عفت و حیا.^۱

- | | | |
|---|---------------------------|---------------------------|
| - | ما و مبدأ | } قواعد عام ناظر به هدایت |
| - | ما و معاد | |
| - | ما و خویشن (تعامل با خود) | |
| - | ما و آینده | |
| - | ما و مواهب طبیعی | |
| - | ما و دیگران | |
| - | دفاع اخلاقی | |

ج) اخلاق کاربردی: لایه‌ی سوم اخلاق هنجاری را می‌توان اخلاق کاربردی دانست. اخلاق کاربردی تلاش می‌کند تا نظریه‌ی عمومی اخلاق هنجاری یعنی مکتب اخلاقی و سایر قواعد و اصول بالادستی و عام‌تر را به شیوه‌ای قیاسی و عقلانی در حوزه‌ی خاصی از شؤون زندگی انسان مقرر و تطبیق کند. در نتیجه، قواعد اخلاق کاربردی اولاً از نظر کلیت و جزئیت جزئی‌تر از قواعد برتراند؛ و ثانیاً از نظر قلمرو حاکمیت، تنها بخشی از حوزه‌ی زندگی اخلاقی را در برمی‌گیرند.

به دلیل تنوع فزاینده‌ی ابعاد زندگی انسان به ویژه ابعاد زندگی اجتماعی او که مصون از تحولات برق‌آسای پدید آمده در فن‌آوری‌های نوین نیست؛ و به دلیل تحولات سریعی که به ویژه در ساختار و مهندسی دانش بشری به وجود آمده است، حوزه‌های اخلاق کاربردی به شدت رو به افزایش است. بحث جامع در یک حوزه‌ی خاص اخلاق کاربردی، مستلزم پرداختن به همه‌ی لایه‌های پیش‌گفته درباره‌ی ساختار کلان اخلاق است. مثلاً پژوهش جامع در حوزه‌ی اخلاق جنسی نیازمند بیان پیش‌فرض‌های خاص خود، مباحث فرا اخلاقی ویژه از قبیل تحلیل‌های مفهومی، کلامی، معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه، منطقی، انسان‌شناسانه‌ی جنسیتی و روش‌شناسی خاص

آن موضوع است، تا بنیادهای عقلانی و ادبی بحث جهت تطبیق نظریه‌ی کلان اخلاق هنجاری در آن حوزه‌ی فراهم گردد.^۱

د) اخلاق تربیتی: و سرانجام، اخلاق تربیتی یا تربیت اخلاقی در بر دارنده‌ی قواعد عام و خاص حاکم بر چگونگی اخلاقی شدن و سلوک معنوی است. در گزارش‌های موجود از ساختار رایج پژوهش‌های اخلاقی در غرب به این بخش از اخلاق هنجاری توجه در خوری نشده است. در مقابل، در مجموعه‌ی منابع اولیه‌ی اخلاقی اسلام و به پیروی از آن در مجموعه‌ی دانش اخلاقی مسلمین، جایگاهی ویژه و فربه‌ی قابل قبولی دارد و از مزیت‌های دستگاہ اخلاقی اسلام به شمار می‌آید. پژوهش‌هایی که با عنوان اخلاق عملی انجام شده عمدتاً در بردارنده‌ی مباحثی از این دست‌اند.

به علاوه، تألیفات عالمان ربانی با عنوان «عرفان عملی» مبتنی بر دست‌مایه‌های وحیانی است که ناظر به چگونگی معنوی شدن انسان است و عالمان عامل آنها را با تجربه‌های معنوی خویش آمیخته و سعی بلیغی در انتظام بخشیدن به آنها نموده‌اند؛ و باید آنها را از منابع ثانویه‌ی اخلاق تربیتی در اسلام به شمار آورد^۲ از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که در دهه‌های اخیر با گرایش روان‌شناسی تربیتی از منظر اسلام صورت گرفته است، تحت تأثیر خاستگاه این مباحث در غرب و فضای طرح آنها در ایران یعنی محیط‌های آموزش و تربیت علمی بوده است، لکن

۱- ر.ک: دیلمی، احمد، اخلاق جنسی.

۲- همچنین ر.ک: بهاری همدانی، شیخ محمد، تَذَكْرَةُ الْمُتَّقِينَ؛ حسینی طهرانی، محمدحسین، توحید علمی و عینی؛ مصطفوی، حسن، رساله‌ی لقاء الله.

به دلیل وجود قواعد عام تعلیم و تربیت در آنها، یکی از منابع تربیت اخلاقی با استفاده از دستاوردهای بشری به شمار می آید.^۱

نتیجه

نظام‌مندی دستگاه معرفت اخلاقی اسلام هم در مرحله‌ی ثبوت از دلایل متقن برخوردار است؛ و هم در مرحله‌ی اثبات قابل کشف و شناسایی است. کشف و تبیین این نظام معرفتی در فهم دقیق ماهیت و ابعاد آن مؤثر بوده، در شناساندن قوت و گستره‌ی آن به دیگران کارآمد خواهد بود و بسیاری از قصورهای معرفتی نسبت به جایگاه اخلاق اسلامی را جبران می‌کند. هم‌چنین به پژوهش‌های اخلاقی سروسامان داده و آغاز و انجام روند مطالعات اخلاقی را معین می‌کند. نظام اخلاقی ارائه شده جایگاه هر مسأله و موضوع اخلاقی را مشخص می‌نماید. ادعا این نیست که این املاء غلط ندارد، بلکه تنها می‌توان مدعی شد که املائی در این باب نوشته شده است که می‌توان آن را تصحیح کرد؛ اگرچه در کلیت آن راهی نارفته نیست.

۱- ر.ک: احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام؛ باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی و مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی؛ حوزه و دانشگاه، مکتب‌های روان‌شناسی و روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی؛ حسینی، مهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی.

منابع

۱. ابن سینا، اشارات و تنبیهاات، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن عدی، یحیی، تهذیب الاخلاق، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
۳. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: بیدار، ۱۳۷۱ ش.
۴. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۰ ق.
۵. احمدی، احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴ ش.
۶. انصاری هروی، خواجه عبدالله، منازل السائرین، تهران: مولی.
۷. باقری، خسرو، مبانی شیوه های تربیت اخلاقی، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۷ ش.
۸. --- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: آموزش و پرورش، ۱۳۶۷ ش.
۹. بحر العلوم، سید مهدی، رساله ی سیر و سلوک، مشهد: نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. بهاری همدانی، شیخ محمد، تذکره ی المتقین، بی جا، نهاوندی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. پل ادواردز، فلسفه ی اخلاق، تهران: مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. حسینی طهرانی، سید محمدحسین، توحید علمی و عینی، تهران: حکمت، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. حسینی، مهدی (بی تا)، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، بی جا، بی نا.
۱۵. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تهران: اسلامیه، بی تا.
۱۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مکتب‌های روان‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۶۹ ش.
۱۸. ----- روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۴ ش.
۱۹. دیلمی احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم: معارف، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. دیلمی، احمد، طبیعت و حکمت، قم، نشر معارف، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. ----- مبانی و ساختار اخلاق (دانشنامه‌ی امام علی علیه السلام)، ج ۴، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. ----- اخلاق جنسی، مندرج در دانشنامه‌ی فرهنگ فاطمی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. شجاعی، محمد، مقالات، تهران: سروش، ۱۳۷۱ و ۱۳۸۵ ش.
۲۴. شیرازی، قطب‌الدین، محاکمات، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، بیروت: دارالکتاب، ۱۹۷۸ م.
۲۶. طوسی، نصیرالدین، شرح اشارات، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. علامه حلی، کشف المراد، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. علامه طباطبایی، المیزان، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۲۹. ----- رساله‌ی الولایه‌ی، قم: دراسات اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۳۰. ----- المیزان، قم: نشر اسلامی، ۱۳۹۰ ق.
۳۱. ----- اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه: صادقی، هادی، قم: طه، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. فیروز آبادی، قاموس المحيط، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. فیض، مولی محسن، المحجة البیضاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۳۵. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة، تهران: کتابخانه صدوق، ۱۳۶۰ ش.

۳۶. محقق اصفهانی، محمد حسین، *نهایة الدراية*، قم: آل البيت، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. مصطفوی، حسن، *رساله‌ی لقاء الله*، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
۳۸. مطهری، شیخ مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۶، قم: صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. ----- *مجموعه آثار*، ج ۱، قم: صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۴۰. مظفر، محمدرضا (بی تا) *اصول الفقه*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۴۱. ملاصدرا (بی تا) *الاسفار الاربعة*، قم: مکتبة المصطفوی.
۴۲. ملکی تبریزی، میرزا جواد، *رساله‌ی لقاء الله*، تهران: زنان مسلمان، ۱۳۶۰ ش.
۴۳. نراقی، مولی محمد مهدی، *جامع السعادات*، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ق.